

بررسی اسنادی عملکرد آستان قدس رضوی در هشت سال جنگ تحمیلی؛

پشتیبانی، تبلیغات، امور مهاجرین جنگی، اعزام نیرو، ایثارگری

سید علی مزینانی^۱ / علی میرهاشمی^۲

چکیده

از جنگ جهانی نخست به این سو دیگر تقریباً هر جنگی را می‌توان با عبارت «جنگ تام» توصیف کرد چرا که جنگ به میدان نبرد محدود نمانده و تمام ظرفیت‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی یک کشور را به خود مشغول می‌دارد. جنگ هشت‌ساله ایران و عراق نیز به‌خصوص برای طرف ایرانی یک «جنگ تام» به شمار می‌آید. آستان قدس رضوی یکی از نهادهای مذهبی-اجتماعی-اقتصادی ریشه‌دار در کشور بود که به سهم خود در جنگ تحمیلی هشت‌ساله نقش آفرینی کرد. مسئله اصلی این مقاله بررسی زوایا و ابعاد مختلف نقش آفرینی سازمانی این نهاد در طول هشت سال جنگ تحمیلی از خلال اسناد می‌باشد. بر این مبنا مقاله حاضر با اتکا بر رهیافتی توصیفی-تشریحی و با اتکا بر اسناد آرشیوی و مصاحبه‌های تاریخی شفاهی منتشرنشده در پی پاسخ‌گویی به مسئله اصلی خود برآمده است. با اتکا بر داده‌های اسنادی، نقش آفرینی آستان قدس رضوی در جنگ تحمیلی الگویی متشکل از پنج مقوله اصلی «پشتیبانی جنگ»، «تبلیغات و سازمان‌دهی و اعزام نیرو»، «امور مهاجرین جنگی و بازسازی»، «تشکیل دفتر جبهه و جنگ» و نهایتاً «ایثارگری» است که باز این مجموعه به‌نوبه خود مشتمل بر نه زیرمقوله می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: آستان قدس رضوی، جنگ تحمیلی، جبهه، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، هویزه.

۱. استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
s.a.mazinani@atu.ac.ir

۲. سرپرست دانشنامه استانی دفاع مقدس، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس تهران، ایران.
alimirhashemi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۴ نوع مقاله: پژوهشی

Documentary review of the performance of Astan Quds Razavi in the eight years of imposed war; Support, propaganda, affairs of war refugees, deployment of troops, self-sacrifice

Seyyed Ali Mazinani^۱/ Ali Mirhashemi^۲

Abstract

Since the First World War, almost every war can be described with the term "total war" because the war is not limited to the battlefield and involves all the military, political, economic, social, cultural and demographic capacities of a country. The eight-year war between Iran and Iraq was considered a "total war" especially for the Iranian side. Astan Quds Razavi was one of the deep-rooted religious-social-economic institutions in the country, which played a role in the eight-year imposed war. The main problem in this article is to examine the different angles and dimensions of the organizational role-playing of this institution during the eight years of the imposed war through documents. Based on this, the present article seeks to answer its main problem by relying on a descriptive-annotative approach and by relying on archival documents and unpublished oral historical interviews. Based on documentary data, the role of Astan Quds Razavi in the war imposed a model consisting of five main categories: "war support", "propaganda and organization and deployment of troops", "war-effected emigrants' affairs and reconstruction", "formation of front office and war" and finally, "sacrifice" which in turn consists of nine sub-categories.

Keywords: Astan Quds Razavi, imposed war, front, Islamic Revolutionary Guard Corps, Howeizah.

1. Assistant Professor, Department of History, Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. s.a.mazinani@atu.ac.ir
2. Head of the provincial encyclopedia of holy defense alimirhashemi@yahoo.com

مقدمه

یکی از پیامدهای تلخ انقلاب صنعتی بی‌شک صنعتی‌شدن جنگ و قدرت آتش بوده است. جنگ صنعتی که قدرت تخریب بی‌سابقه‌ای داشت و بیشتر ظرفیت‌های مادی و معنوی یک کشور را به خود مشغول می‌ساخت برای اولین بار با جنگ کریمه (۱۸۵۳-۱۸۵۶ م) پا به تاریخ بشر گذاشت. اما مقیاس جنگ صنعتی‌شده از این هم فراتر رفت و از خلال مفهوم‌پردازی نظریه‌پردازان نظامی چون اریک فردریش ویلهلم لودندورف^۱ و ویلهلم گروندر^۲ مفهوم «جنگ تام» سربرآورد. «جنگ تام» جنگی بود که در آن تمام قوای مادی، اخلاقی و روانی یک کشور پشت جنگ قرار گیرد. در چنین جنگی امور با همکاری تنگاتنگ فرماندهان، مسئولان مدنی و حُسن‌نیت توده‌ها به پیش می‌رود. جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه ایران را می‌توان چنین جنگی دانست، به‌خصوص برای طرف ایرانی که نه تنها در معرض یک جنگ تحمیلی قرار گرفته بود بلکه در معرض یک انزوای تحمیلی بین‌المللی نیز قرار داده شده بود. از این رو در ایران تمام نهادهای حاکمیتی و عمومی در رابطه با هشت سال جنگ تحمیلی، تاریخی درخور بررسی دارند. در مورد آستان قدس رضوی، از آنجا که سیاست سازمان تا به حال تنها گردآوری و نه انتشار مصاحبه‌های تاریخ شفاهی و اسناد بوده است، آثار مربوط به فعالیت‌های این نهاد در دوران جنگ تحمیلی نه تنها هیچ‌یک به همه ابعاد حضور آستان قدس در جنگ تحمیلی نپرداخته‌اند بلکه تمرکز اصلی اغلب آنها صرفاً حضور آستان قدس در بازسازی شهر هویزه بوده است. کارهای پژوهشی غلامرضا آذری خاکستر، «تاریخ شفاهی در خدمت جنگ» (۱۳۹۵) و «قدس و نوسازی هویزه؛ بررسی و تحلیل نوسازی با تأکید بر اسناد و تاریخ شفاهی» (۱۴۰۲)، بر روی بازسازی شهر هویزه از سوی آستان قدس متمرکز شده است. کتاب مشترک علی‌جان سکندری و غلامرضا آذری خاکستر با عنوان «آستان قدس رضوی و بازسازی جهادی هویزه» (۱۴۰۱) هم صرفاً ارائه تشریحی‌تر داده‌های موجود در دو مقاله آذری خاکستر است.

1. Erich Freidrich Wilhelm Ludendorff

2. Wilhelm Groener

قبل تر هم در سال ۱۳۶۴ و هم زمان با افتتاح شهر نوسازی شده هویزه روابط عمومی آستان قدس اقدام به انتشار کتابی با عنوان «هویزه» (۱۳۶۴) نمود که در واقع یک مجموعه عکس ۸۴ صفحه‌ای است. از سوی همین روابط عمومی در سال ۱۳۹۵ کتاب دیگری توسط محمد قاضی‌زاده و مظفر دارایی با عنوان «اولین یادواره شهدای آستان قدس رضوی» منتشر شد که بیشتر یک گردآوری در مورد صرفاً شهدای آستان قدس و نه باقی ایثارگران این مجموعه است. هر برگ از این مجموعه محتوی تصویر شهید با مختصری اطلاعات از زندگی شهید و نهایتاً، در صورت موجود بودن، فرازی از وصیت‌نامه شهید است (قاضی‌زاده و دارایی، ۱۳۹۵). هدف پژوهش حاضر جبران همین تمرکز صرف مطالعات موجود بر بازسازی هویزه و غفلت آنها از دیگر ابعاد فعالیت آستان قدس در جنگ تحمیلی است. به این ترتیب مقاله حاضر می‌کوشد به تصویری سراسر بین از موضوع دست یابد. به این منظور ابعاد مختلف فعالیت‌های آستان قدس در قالب مقولات و زیرمقولات سازمان‌دهی خواهند شد و دوره‌های تحول این فعالیت پیش روی مخاطب قرار داده خواهند شد.

پژوهش اسنادی، بنا به ماهیت خود، عمدتاً ناظر بر ارائه معرفی دسته اول از موضوعی است که برای نخستین بار از دل بایگانی‌ها و آرشیوها بیرون کشیده می‌شود و به همین جهت واجد پیشینه پژوهشی قابل توجهی نیست. هنگام دست‌زدن به چنین پژوهشی خود محقق، و نه یک نظریه‌مدون یا ادبیات پژوهش از پیش موجود، مرجع مقوله‌بندی، مفهوم‌پردازی و دوران‌بندی موضوع پژوهش است. برای بررسی عملکرد آستان قدس رضوی در جنگ تحمیلی با دو کاستی مواجه هستیم. اینجا نه نظریه‌مدونی در مورد عملکرد سازمانی در میانه جنگ‌ها وجود دارد تا داده‌های موجود از خلال آن پردازش شوند، نه ادبیات پژوهش فریبهی در مورد تمام ابعاد فعالیت این سازمان در مقطع زمانی مورد نظر تابه‌حال خلق شده است. یکی از بهترین رویکردهای پژوهشی برای مطالعه موضوعات «کم‌پیشینه» نظیر موضوع نوشتار حاضر، رهیافت «تاریخ‌بنیادی» است. بر اساس این رهیافت هر موضوع پژوهش تاریخی حائز «تفرد» و «تحول» خاص خود است و مورخ در مواجهه با موضوع باید مقوله‌بندی، دوران‌بندی، مفهوم‌پردازی موضوع را با اتکا به سیر تحول درونی موضوع به انجام برساند. به این ترتیب مورخ موضوع یگانه و منفرد تاریخی را به سطحی از عمومیت می‌رساند که قابل اشتراک‌گذاری باشد و درعین حال به دنبال تبدیل آن موضوع مورد مطالعه به یک تعمیم فراگیر یا

قانون نیست. اینجا تمام «چرایی‌ها» و «چگونگی‌ها» از خلال «روند»، «تحول»، «شدن» یا «صیوریت» خود موضوع مورد مطالعه تبیین می‌گردند و نه با مراجعه به یک عنصر محوری از پیش مفروض گرفته شده (مثل ابزار تولید در اندیشه مارکس یا عقده جنسی در اندیشه فروید).^۱ در این نوشتار پژوهشگران با مراجعه به مرکز اسناد آستان قدس رضوی و دریافت اسناد قابل ارائه از نظر مرکز، ضمن مطالعه اسناد نسبت به مقوله‌بندی، دوران‌بندی و مفهوم‌پردازی داده‌ها اقدام نموده‌اند. به این ترتیب فعالیت‌های آستان قدس در راه جنگ تحمیلی به پنج مقوله اصلی «پشتیبانی تجهیزاتی و اقتصادی»، «تبلیغات، سازمان‌دهی و اعزام»، «امور مهاجرین جنگی و بازسازی هویزه»، «دفتر جبهه و جنگ» و «ایثارگری» و نه زیرمقوله تجهیزات، زمین و مسکن، نیروی انسانی، ظرفیت تولیدی، واردات و صادرات، شهرسازی، ارزاق عمومی، حمایت‌های مدنی و کمک‌های نقدی قابل تقسیم است. این فعالیت‌ها از نظر دوران‌بندی در حفاصل شهریور ۱۳۵۹ تا مرداد ۱۳۶۷ شاهد سه برهه زمانی عمده بوده‌اند؛ آغاز جنگ تا موافقت حضرت امام خمینی با پیشنهاد تولید آستان قدس برای بازسازی هویزه؛ از ۲ خرداد ۱۳۶۱ تا سال ۱۳۶۶ و تشکیل «دفتر جبهه و جنگ» در آستان قدس؛ از سال ۱۳۶۶ تا پایان جنگ.

آستان قدس رضوی؛ از روضه مقدسه تا نهادی مذهبی-اجتماعی-اقتصادی

تبدیل شدن تولید حرم رضوی به یک سازمان از دوران تیموریان (۷۸۴-۹۰۹ ه.ق.) و به‌ویژه در دوران حکومت طولانی و توأم با آرامش شاهرخ تیموری (۸۰۶-۸۵۲ ه.ق.) به وقوع پیوست. نام

^۱. برای فهم «تاریخ‌بنیادی» Historismus نک:

Friedrich Meinecke, *Historism the Rise of a New Historical Outlook*, London: Routledge & Kegan Paul, 1972, Pp. 160, 355, 395, 474, etc.

Rickert, Heinrich (1986). *The Limits of Concept Formation in Natural Science*, Tr. Guy Oaks, New York: Cambridge University Press, Pp. 121, 200-205, 173-174, 211, etc.

فروند، ژولین (۱۳۷۲). *نظریه‌های مربوط به علوم انسانی*، ترجمه محمد علی کاردان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، صص

۹۲، ۹۵، ۱۰۳.

مندلیاوم، موریس (۱۳۷۵). «تاریخ‌گرایی»، در پل ادواردز، *فلسفه تاریخ*، ترجمه جواد سالکی، تهران: پژوهشگاه علوم

انسانی، صص ۱۸۰-۱۸۷.

اولین متولی حرم رضوی یعنی میرزا بدرالدین نقیب نیز از این دوره به دست ما رسیده است (سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۸۰). جدا از توجهات خود شاهرخ، گوهرشاد آغا همسر وی رواق‌های «دارالحفاظ» و «دارالسیاده» را به مجموعه حرم افزود و استاد عیسی شیرازی را مأمور ریختن طرح مسجد گوهرشاد نمود (قدیانی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۷۲۵). بعد از وقفه کوتاهی که بین حکومت شاهرخ و سلطان حسین بایقرا (ح. ۸۷۳-۹۰۶ ه.ق.) واقع شد با راهنمایی و حمایت وزیر دانش‌دوست خود امیر علیشیر نوایی (۸۴۴-۹۰۶ ه.ق.)، سلطان ایوان بلندی در ضلع شمالی مقبره (امروزه صحن جمهوری اسلامی) بنا کرد و تمام فضای داخلی آن را طلاکاری نمود.

سازمانی که امروزه به‌عنوان آستان قدس رضوی شناخته می‌شود در منابع دوره صفویه (۹۰۶-۱۱۳۴ ه.ق.) با عناوینی چون «سرکار فیض آثار» و «روضه رضویه» فعالیت رسمی خود را آغاز کرد (ن.ک: اسکندر بیگ ترکمان، ۱۳۸۲: میرزا بیگ جنابدی، ۱۳۷۸). در سده اول دولت صفوی، مقبره مدام مورد تهاجم ازبکان قرار داشت و تقریباً روی آرامش به خود ندید (ن.ک: اسکندر بیگ ترکمان، ج ۱، ۱۳۸۲؛ قاضی محمد قمی، ۱۳۸۳؛ افروشته‌ای نطنزی، ۱۳۸۳). در هجوم عبدالمومن خان حتی طلاکاری گنبد زدوده و مردم متحصن در پای مقبره مثله شدند (قاضی محمد قمی، ۱۳۸۳: ۸۹۵-۸۹۹). با قدرت گرفتن شاه عباس اول (ح. ۹۹۶-۱۰۳۸ ه.ق.) اوضاع تولیت موقوفات و امورات دوباره نظم و نسخ جدیدی پیدا کرد. شاه شخصاً چندین بار به حرم رضوی تشریف پیدا کرد و با انجام خدماتی و فراشی در حین تشریفشان مقبره را در نظر مردم بالا برد (اسکندر بیگ ترکمان، ج ۲، ۱۳۸۲: ۵۸۷ و ۶۱۱). مناصبی چون «تولیت سنتی» و «تولیت واجبی»، پزشک آستان و تشریفات پذیرایی آستان ایجاد شدند (همان: ۱۴۹). همچنین گنبد عریان‌شده توسط ازبکان مجدداً زرانود شد. علمای برجسته عصر شاه عباس برای تدریس در روضه رضویه مستقر شدند (افشار، ج ۲، ۱۳۸۰: ۷۲) و به طور مرتب برای حرم از دربار کتاب ارسال می‌شد. در عهد شاه سلیمان جایگاه مقام تولیت به حدی بالا رفت که می‌توانست خواهان ازدواج با یکی از دختران شخص پادشاه باشد (ابوالحسن قزوینی، ۱۳۶۷: ۷۷).

در روزهای پایانی دولت صفوی و آغازین دولت افشاری (۱۱۴۸-۱۲۱۰ ه.ق.) آستان قدس رضوی مجموعه‌ای بزرگ بود که اداراتی چون کتابخانه، شربت‌خانه، دارالشفاء، مطبخ، عطارخانه، فراشخانه،

شماعی‌خانه، خبازخانه، قصاب‌خانه، هیمه‌خانه و... تنها بخشی از اداره‌جات آن آستان بودند که هر یک تحت نظارت ناظران مخصوص به خود اداره می‌شدند. هزینه فعالیت‌های این دوایر و بسیاری مناصب دیگر (از قبیل سرکشیک، خادم‌باشی، حفاظ، اطبا، منجم، عمله نقاره‌خانه و...) یا از محل موقوفاتی که از هرات تا ساوجبلاغ و از خبوشان (قوچان) تا کرمان پراکنده بودند تأمین می‌شد یا از محل نذوراتی که حتی از هندوستان برای آستان ارسال می‌شد (افشار، ج ۱، ۱۳۸۰: ۴۹۴). این سازمان به‌قدری گسترده شده بود که ارتش نادرشاهی در موارد ضرورت از آن درخواست پزشک و دارو می‌نمود (ن.ک: نوایی، ۱۳۶۸: ۴۶۷) و یا علیقلی شاه (ح. ۱۱۶۰ ه.ق.) در دولت مستعجل خود به مرکزیت مشهد، تولید وقت آن را به‌عنوان صدراعظم کلیه ممالک ایران برگزید (همان: ۴۹۰). این ثروت و عظمت در دوره شاهرخ افشاری مورد سوءاستفاده گسترده قرار گرفت (فضل‌الله شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۷۸) به‌نحوی که تا دوره محمد میرزا قاجار (ح. ۱۲۵۰-۱۲۶۵ ه.ق.) فرزند عباس میرزا، ولیعهد معروف فتحعلی شاه قاجار (ح. ۱۲۱۲-۱۲۵۰ ه.ق.)، کسی به فکر جبران مافات نیفتاد.

در دوره قاجار آستان قدس رضوی سازمان بزرگی بود که با شایستگی اداره نمی‌شد. در سال‌های سلطنت مظفرالدین شاه (ح. ۱۳۱۴-۱۳۲۵ ه.ق.) سازمان حدود ۴۰۰ هزار تومان (نقد و جنس) درآمد سالانه داشت که هیچ مبلغی از آن برای ذخیره یا سرمایه‌گذاری اضافه نمی‌آمد (سالور، ج ۲، ۱۷۴۶: ۱۳۷۴). در دوران نخست‌وزیری سید ضیاءالدین طباطبایی در زمان سلطنت احمدشاه (ح. ۱۳۲۷-۱۳۴۳ ه.ق.) هم در نهایت تصمیم گرفته می‌شود تمام متصدیان مناصب در آن سازمان خلع‌ید شده و بدهی‌های تلنبار شده آن نیز از خلال مصادره اموال همان متصدیان پرداخت شود (سالور، ج ۸، ۵۹۹۱: ۱۳۷۴).

در دوران رضاشاه پهلوی (ح. ۱۳۰۴-۱۳۲۰ ه.خ.) با انتصاب محمدولی اسدی اصلاحاتی در نحوه اداره آستان قدس رضوی انجام گرفت که درآمد آن سازمان را به ۳۱۷۷۳۱۰ ریال رساند (ولیان، ۲۵۳۶: ۶۲). بخشی از این درآمدها برای اجرای طرح‌هایی چون بیمارستان امام رضا (ع) (شاه رضا سابق) (همان) و کارخانه نخ‌ریسی و نساجی خسروی اختصاص یافت. در دهه چهل سازمان آستان قدس رضوی در چارچوب انقلاب سفید محمدرضا شاه پهلوی اقدام به خرید کارخانه‌های قند آبکوه مشهد، چناران و تربت‌حیدریه و توزیع سهام آنها میان کارگران نمود (ولیان، ۲۵۳۶: ۲۱۰-۲۱۱). بعد از این

تجربه بنگاهداری، آستان قدس در دهه‌ی ۱۳۵۰ و تحت نظر عبدالله ولیان نیز کارخانه‌های نان قدس رضوی و کنسرو و سردخانه رضوی را راه‌اندازی کرد(همان).

آستان قدس و جنگ تحمیلی

هم‌زمان با آغاز جنگ تحمیلی، آستان قدس رضوی دیگر به سازمانی با ظرفیت‌های اقتصادی، تولیدی و فرهنگی گسترده تبدیل شده بود و عموم مردم و مسئولین، آن را به‌مثابه خزانه‌ای جهت پشتیبانی خطوط نبرد در نظر می‌گرفتند. آستان قدس به این توقع عمومی از دو جنبه پاسخ داد. یکی در اختیار قراردادن ظرفیت‌های خود در قبال درخواست‌های، به ترتیب، هر سه نیروی رزمنده سپاه، جهاد سازندگی و ارتش. دیگری مسئولیت‌پذیری در قبال تبعات اجتماعی جنگ. اقدامات آستان قدس در حوزه نخست را می‌توان در پشتیبانی اقتصادی و تجهیزاتی از یک‌سو و از سوی دیگر در قالب پشتیبانی تبلیغات، سازمان‌دهی و اعزام مقوله‌بندی کرد. در حوزه مسئولیت‌پذیری اجتماعی هم فعالیت‌های آستان قدس از بابت توجه به امور مهاجرین جنگی و بازسازی هویت و در کنار آن تشکیل «دفتر جبهه و جنگ» از جمله موارد برجسته هستند.

الف: پشتیبانی تجهیزاتی و اقتصادی

کمک‌های آستان قدس رضوی به تأمین تجهیزات و تدارکات جبهه و نهادهای انقلابی هم از سوی سازمان مرکزی و هم از سوی مجموعه تابعه آستان صورت می‌گرفت. از بابت تأمین زمین و مسکن برای نهاد تازه‌تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، یکجا آستان قدس در ازای دریافت مکان باشگاه ورزشی خیابان کوهسنگی، محل استقرار وقت سپاه مشهد، ۷ میلیون مترمربع از اراضی خود در حاشیه جاده خلیج را جهت احداث پادگان در اختیار آن نهاد قرار داد(ساکماق، ۶۲۲۵۶: ۰۰۱۹)، جایی دیگر ۱۰۴ قطعه زمین را جهت احداث مسکن سازمانی (ساکماق، ۶۲۲۵۶: ۰۰۱۲) و در نمونه‌ای دیگر ۹ دستگاه مسکن استیجاری در حاشیه بلوار منتظری (ساکماق، ۶۲۲۵۶: ۰۰۴۱) به آن مجموعه تحویل داده شد. علاوه بر واحد املاک مشهد، واحدهای املاک آستان در سرخس، تربت‌حیدریه، گناباد و

در گز عمدتاً در همکاری با جهاد سازندگی نسبت به واگذاری زمین جهت حفر چاه آب و یا تأمین ماشین آلات و تجهیزات ساخت و ساز برای طرح‌های روستایی همکاری‌های لازم را صورت می‌دادند (ساکماق، ۸۷۷۷۵: ۰۰۰۷).

در کنار مجموعه مرکزی تولید هر یک از کارخانجات تابع آستان قدس اقدامات و ابتکارات مستقل خود را برای کمک‌رسانی به جبهه‌ها داشتند. نقش شرکت کارخانجات نساجی نخ‌ریسی خسروی خراسان از این بابت بسیار برجسته است. از محل کسر داوطلبانه از حقوق، کارگران این شرکت ماهانه به طور میانگین ۶۵۰ تا ۹۹۰ هزار ریال کمک نقدی در اختیار جبهه‌ها می‌گذاشتند. (ساکماق، ۱۶۹۰۳۲: ۱) و از محل همین مبالغ، جایی از کارخانه قند آبکوه برای جبهه‌ها قند می‌خریدند (ساکماق، ۱۷۲۱۲۳: ۱) و جایی هم یک دستگاه آمبولانس اهدا می‌نمودند (ساکماق، ۱۶۹۸۳۹: ۱). ماهیت این قبیل کمک‌ها که با کسر ماهانه هزار ریال از حقوق خدمه انجام می‌شد کاملاً داوطلبانه بود و در بخش‌نامه محمود صادقیه، مدیرعامل وقت شرکت نساجی و نخ‌ریسی خسروی، بر این مهم تأکید شده بود که

«[پیرو] درخواست شورای اسلامی کارخانه مبنی بر کسر هزار ریال از حقوق کارکنان جهت رزمندگان، به اطلاع کلیه برادران و خواهران کارخانه می‌رساند هر کسی به دلیلی حاضر به کسر مبلغ فوق نیست به کارگزینی کارگران اطلاع دهد تا کسر نشود» (ساکماق، ۱۷۰۹۲۲: ۶).

شرکت کنسرو و سردخانه قدس رضوی، به‌عنوان یکی دیگر از زیرمجموعه‌های آستان قدس رضوی، به‌واسطه ماهیت و مأموریت خود عمدتاً در حوزه تأمین اقلام خوراکی برای جبهه فعال بود. تأمین نیم‌بها و یا خارج از نوبت از نیازهای جبهه بود مثل تأمین نیم‌بهای ۵۰ هزار قوطی یک‌بارمصرف برای پشتیبانی جنگ سپاه (ساکماق، ۶۲۲۵۶: ۰۰۱۱) و یا تبدیل سیب و شکر واگذاری‌شده جهاد سازندگی به مربا و تغییر خط تولید در سال ۱۳۵۹ به‌منظور بسته‌بندی مربای تولیدشده در ظروف چند کیلویی به‌نحوی که مناسب برای ارسال به جبهه‌ها باشد از جمله اقدامات این شرکت بودند که همگی در ازای دریافت حق‌الزحمه انجام می‌گرفت (ساکماق، ۸۷۷۷۵: ۰۰۰۷). بر این اساس، مطابق یک مورد گزارش دست‌نویس بدون تاریخ، تنها در هجده ماه نخست جنگ (تا

پایان ۱۳۶۰) آستان قدس جمعاً ۲۷ قلم کالای خوراکی به ارزش ۲۰۸۳۹۳۴۷ ریال به عنوان کمک به جبهه‌ها ارسال کرده بود.

البته حفظ منافع موقوفه در عین همکاری با جبهه‌ها جزو اصول ثابت تولید بود، مثلاً در سال ۱۳۶۲ با کمک به صندوق قرض‌الحسنه سپاه ناحیه ۴ مشهد مخالفت شد چون هنوز ۲ میلیون ریال کمک اعطایی از حساب نذورات آستان در سال ۱۳۵۹ به آن صندوق بازپرداخت نشده بود. (ساکماق، ۶۲۲۵۶: ۰۰۴۲) همچنین با توجه به انحصار «وزارت سپاه» بر واردات خودروهای تویوتای لندکروز در دوران جنگ، آستان قدس جایی برای دریافت معوض ۵ دستگاه آمبولانس تویوتا لندکروز اف جی ۶۰، که وقف شیوخ جنوب خلیج فارس برای آستان قدس بودند، با سپاه وارد تعامل شد (ساکماق، ۶۲۲۵۶: ۰۰۲۲). جایی دیگر هم مقیاس همکاری در این زمینه بسیار فراتر از این حد می‌رفت و آستان قدس برای دریافت ۱۱۵ وانت تویوتا ۱۶۰۰ سی.سی.، ۲۵ وانت تویوتا دوکابین، ۱۴ وانت تویوتا دو دیفرانسیل، ۳۵ استیشن تویوتا ۱۶۰۰ سی.سی. از سپاه درخواست برآورد هزینه می‌نمود تا ارز لازم برای تأمین خودروها را از محل سهمیه ارزی خود در اختیار آنها قرار دهد (ساکماق، ۶۲۲۵۶: ۰۰۱۵).

ب: تبلیغات، سازمان‌دهی و اعزام

همکاری‌های آستان قدس با نهادهای مستقیماً درگیر با جنگ تحمیلی به فعالیت‌های مربوط به پشتیبانی محدود نمی‌شد. مراجعاتی که جهت تأمین ملزومات تبلیغات جنگ به آستان قدس انجام می‌شد تقریباً هیچ محدودیتی نمی‌شناخت و تقریباً هیچ کدام از سوی آستان قدس بی‌پاسخ نمی‌ماند. در موعد برگزاری نمایشگاه هفته جنگ سال ۱۳۶۵ از آستان قدس انتظار می‌رفت اراضی حول میدان فردوسی را در اختیار سپاه قرار دهد (ساکماق، ۶۲۲۵۶: ۰۰۰۱) و حتی برای تدارکات نمایشگاه نیز دو دستگاه خودرو سازمانی خود را تا پایان مدت نمایشگاه در اختیار ستاد برگزاری باقی بگذارد (ساکماق، ۶۲۲۵۶: ۰۰۰۲). از طرف محسن رضایی، فرمانده وقت سپاه، درخواست برای مشارکت آستان در تأمین مهر و سجاده آن هم در تیراژ ۵۰۰ هزار عدد به دفتر تولید می‌رفت و تولید تأمین ۳۰۰۰ عدد را تقبل می‌نمود (ساکماق، ۶۲۲۵۶: ۰۰۱۶). در موارد دیگر درخواست قرآن با صحافی و

جلد محکم در تیراژ ۲۵۰۰۰ عدد (ساکماق، ۶۲۲۵۶: ۰۰۲۴) یا پارچه جهت پارچه‌نویسی اعزام‌های دسته‌جمعی به حجم مجموعاً ۲۵۰۰ متر (ساکماق، ۶۲۲۵۶: ۰۰۰۸) از سمت سپاه به آستان قدس واصل می‌شد که مجموعه نیز با بیشتر آنها موافقت می‌کرد.

همکاری‌های آستان قدس با جبهه برای اعزام نیرو و نیز تقریباً همه ابعاد متصور را شامل می‌شد. برای آموزش نیروهای داوطلب، باغ بیلدر (شهرستان طرهبه و شاندیز) در اختیار بسیج قرار داده می‌شد (ساکماق، ۶۲۲۵۶: ۰۰۱۲) و در برخی موارد حتی چادرهای جمعی موردنیاز برای برنامه‌های آموزشی کاروان‌های اعزامی نیز تأمین می‌شد. (ساکماق، ۶۲۲۵۶: ۰۰۰۹) در این بین دفتر قائم‌مقام استاندار خراسان در امور جبهه و جنگ ممکن بود برای جبران کمبود وسایل نقلیه اعزام به جبهه از واحد نقلیه آستان قدس درخواست اختصاصی اتوبوس برای مأموریت پانزده روزه داشته باشد. (ساکماق، ۶۲۲۵۶: ۰۰۰۳) اما مشارکت آستان قدس در اعزام نیروها تنها محدود به پشتیبانی فنی نبود، نیروهای انسانی رسمی و موقت خود مجموعه هم میان نیروهای اعزامی به چشم می‌خوردند. قائم‌مقام استاندار در امور جبهه و جنگ برای تأمین نیروهای متخصص برای ماشین‌آلات راه‌سازی (بولدوزر، بیل مکانیکی، لودر) چشم‌انتظار مساعدت آستان قدس بود. (ساکماق، ۶۲۲۵۶: ۰۰۰۴) بر اساس اسناد، از کارخانه‌های زیرمجموعه آستان قدس مانند کارخانه قند آبکوه نیروهای داوطلب از نگهبان ساده تا جوشکار، برق‌کار و مکانیک مدام به جبهه‌ها رفت‌وآمد داشته‌اند (ساکماق، ۱۸۴۲۰۳: ۳) چنان‌که بقیه کارگرانی که سال اول جنگ داوطلبانه به جبهه‌ها اعزام می‌شدند به علت غیبت برای دریافت حقوق خود با اشکال مواجه می‌شدند (ساکماق، ۱۸۴۱۱۴: ۱). مسئله پرداخت حقوق کارگران داوطلب اعزام به جبهه البته بعدتر با ابلاغیه دفتر نخست‌وزیری از میان برخاست.

ج: امور مهاجرین جنگی و بازسازی هوپزه

مانند تمامی دیگر ابعاد جنگ، جمعیت‌های رانده‌شده از خانه و کاشانه در پی حمله دشمن هم به آستان قدس ارتباط پیدا می‌کردند. از این حیث مجموعه هم در زمینه اسکان مهاجرین مناطق جنگی و هم در زمینه بازسازی مناطق جنگی به عرصه ورود کرد. از طرف بنیاد جنگ‌زدگان خراسان این توقع وجود داشت که آپارتمان‌های ساخته‌شده جهت کارکنان شرکت قند آبکوه در بخش چناران

(امروزه شهرستان) که تنها شش دستگاه از آنها تا مرداد ماه ۱۳۶۰ مسکونی شده و باقی بدون سکنه مانده بود، به منظور اسکان مهاجرین منطقه شادگان در اختیار بنیاد امور جنگ‌زدگان قرار داده شوند (ساکماق، ۶۲۲۵۶: ۰۰۵۱). از سمت دیگر لااقل در طول سال ۱۳۶۱ مهمانسرای حضرتی شماره ۷ آستان هم به جنگ‌زدگان اختصاص یافته بود که اقامتشان خالی از مسئله نبود. هنگامی که مقرر شد این جمعیت به شهرک شهید رجایی (حاشیه بزرگراه امروزی بسیج) که بر اساس تصمیم وزارت کشور برای ایشان در نظر گرفته شده بود منتقل شوند، آنها طی عریضه‌ای خطاب به شالفروشان، قائم‌مقام وقت تولیت آستان قدس، تأکید داشتند:

«متأسفانه طبق اطلاع برادران مسئول زائرسرا متوجه شدیم که می‌بایست هرچه زودتر این محل را ترک کرده و به محلی که خارج از شهر است به نام شهرک شهید رجایی انتقال یابیم [...] تقاضا داریم که به ندای خانواده‌های زجرکشیده و از وطن آواره پاسخ مثبت داده در صورتی که سرای هشت را فروخته‌اند ما را به سرای هفت که خالی از اسکان می‌باشد منتقل فرمایید» (ساکماق، شماره ۶۲۲۵۶: ۰۰۲۳).

به این عریضه احتمالاً مطابق میل مهاجرین جنگی ترتیب اثر داده نشده، چرا که امروزه شهرک شهید رجایی مشهد، که در بین عموم مردم با نام «شهرک عرب‌ها» شناخته می‌شود، دقیقاً خرمشهر کوچکی است در حاشیه شرقی شهر مشهد. طبق اسناد مالی تا پایان سال ۱۳۶۰ هزینه‌هایی که آستان قدس از این ناحیه میزبانی مهاجرین جنگی تقبل کرده بود بر ۴۳۶۸۲۴۱ ریال بالغ شده بود (ساکماق، ۸۷۷۷۵: ۰۰۰۵).

اقدام اساسی آستان قدس در این حوزه امور جنگی را باید بازسازی کامل شهر هویزه دانست. در این مورد دغدغه‌های مصرف موقوفات با دریافت ابلاغ امام خمینی (ره) مبنی بر اینکه:

«[...] چه کسی اولی از تولیت آستان مطهر و خدمتگزار مرقد نورانی حضرتش در ترمیم خرابی‌ها و بنای شهر معظم است و کدام مقام والاتر از مقام ولایت آن سرور در نوازش عزیزان و دوستان او باشد که خیرخواهان و دوستان محترم آن مقام مقدس اقتدا به مولای خود در راه بازسازی خوزستان و دیگر خرابه‌های این ابرجنایتکار قرن همت گمارند» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۶: ۱۵۳).

کنار گذاشته شد و از محل سه منبع موقوفات مطلقه (که هزینه کرد آن به تشخیص متولی است)، نذورات و فراخوان برای کمک‌های مردمی (متولی حبیبی، ۱۳۸۵/۱۱/۱۶) فعالیت برای بازسازی هویزه آغاز گردید. ابتدا نسبت به تشکیل هیئت عامل بازسازی به عضویت آقایان رضا دیشیدی، جعفر عطار، مرحوم غنیان، مرحوم غفوری و مرحوم سررشته‌دار اقدام شد. بعد از این مرحله شهر به دوازده منطقه تقسیم و عملیات عمرانی آغاز گردید (آذری‌خاکستر، ۱۳۹۵: ۸۵). سعی شد از مردم منطقه در مورد نحوه طراحی خانه‌ها نظرخواهی شود و به همین منظور میان آنها ۱۰۰ برگه A4 به همراه مداد و پاک‌کن توزیع شد تا طرح مطلوب خود را ولو به شکل بدوی روی کاغذ پیاده کنند (سکندری و آذری‌خاکستر، ۱۴۰۲). عملیات بازسازی با پیچیدگی‌های متعددی مثل نبود هیچ مکانی برای اسکان در هویزه و رفت‌وآمد اجباری میان این شهر و اهواز در چند ماه آغازین بازسازی؛ موشک‌باران گاه‌وبیگاه شهر که به شهادت یازده تن از اعضای مجموعه بازسازی انجامید؛ عدم اعتماد بومیان به طرح بازسازی به واسطه اطمینان نداشتن از سرنوشت واگذاری منازل ساخته‌شده؛ حجم کاستی‌ناپذیر حیوانات موزی مانند مار و عقرب به‌هرحال به سرانجام رسانده شد (آذری‌خاکستر، ۱۳۹۵: ۸۷-۸۸). وسعت بسیج منابع در طول انجام طرح، تجهیزات و امکانات آستان قدس را تحت فشار قرار داده بود چنان‌که مجموعه حتی برای تأمین سرویس رفت‌وآمد کارخانجات خود به زحمت افتاد و ناگزیر از طریق استانداری به اتوبوسرانی مشهد متوسل شد (ساکماق، ۱۳۷۷۵: ۰۰۰۳). درنهایت تا مرداد ۱۳۶۴ یک شهر کامل متشکل از ۱۸۰۰ ساختمان (واحد مسکونی، مدرسه علمیه، مسجد، میدان تره‌بار، غسالخانه، پمپ‌بنزین و ...) با سرانه ۱۹ مترمربع فضای سبز برای سکونت شهروندان آماده گردید (طرفی، ۱۳۸۴: ۳۴۹-۳۵۱ و مرکز ملی اسناد دفاع مقدس، AM556: ۱۲ و ۷۸ و ۹۰).

از حواشی جالب‌توجه این طرح استفاده از زندانیان زندان مرکزی مشهد برای بازسازی بود به این صورت که ۶۰ درصد حقوق ایشان پرداخت شده و ۴۰ درصد نیز به بهبود امکانات فرهنگی زندان اختصاص یافت. همچنین مردم بومی همکاری گسترده‌ای در جریان بازسازی از خود نشان ندادند و در مواجهه با درخواست‌های مکرر همکاری پاسخ می‌دادند «ما فقط نگهبانی یاد داریم!» (آذری‌خاکستر، ۱۳۹۵). بعد از اتمام طرح بازسازی، شهر جهت واگذاری در اختیار استانداری

خوزستان قرار گرفت. اما اعتراضات و مداخله مردم در فرآیند واگذاری به حدی بود که حاج طمعہ ساکی، بخشدار وقت هویزه، دچار فشار عصبی و لرزش دست شده و برای پرهیز از وخامت بیشتر احوال به جای دیگری منتقل شد (سکندری و آذری خاکستر، ۱۴۰۲).

د: دفتر جبهه و جنگ

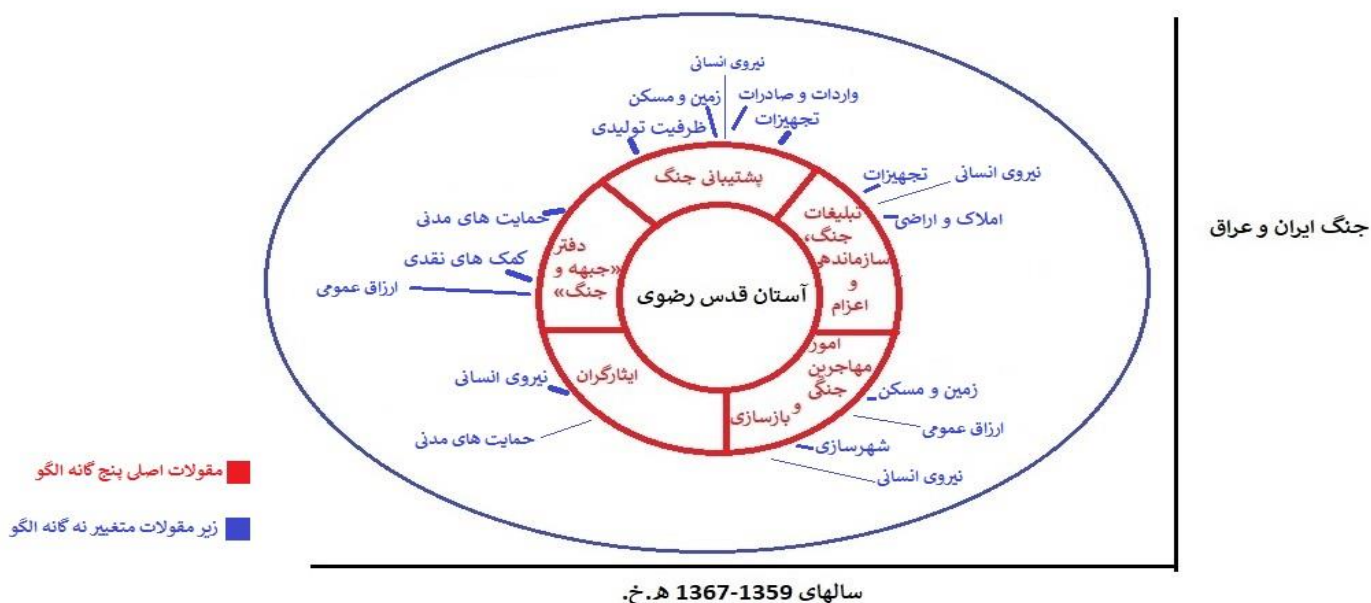
با فرا رسیدن دو سال پایانی جنگ تحمیلی فعالیت‌های مرتبط با جبهه و جنگ در آستان قدس رضوی صاحب متولی و دفتری مشخص شد. تا قبل از سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ فعالیت‌های مربوط به جبهه و جنگ اغلب از مسیر روابط عمومی آستان به انجام می‌رسید (متولی حبیبی، ۱۳۸۵/۱۱/۱۶). محمود متولی حبیبی، شهردار سابق مشهد، با استقرار در آستان قدس و ایجاد دفتر «جبهه و جنگ» وظیفه ایجاد سابقه برای شهدا، رزمندگان و ایثارگران در کنار سرکشی از خانواده‌های ایشان را از سوی آستان برعهده گرفت (متولی حبیبی، ۱۳۸۵/۱۱/۱۶). فعالیت‌های این دفتر از حیث گستردگی متنوع بود. گاهی میزبانی از ایثارگران برای یک وعده غذا در مهمانسرای حضرتی در دستور کار قرار می‌گرفت و بر همین اساس بلیت‌های لازم در دفاتر بسیج سراسر مشهد توزیع می‌شد (ساکماق، - ۶۲۲۵۶: ۰۰۰۵). گاهی هم سرکشی به ایثارگران (شهدا، جانبازان، رزمندگان) و خانواده‌های ایشان در قالب گروه‌های «انصار المجاهدین» در برنامه قرار می‌گرفت که تهیه اقلامی چون هدایای کوچک، میوه، قند و روغن و تأمین نفقات و وسیله نقلیه لازم جهت این امور از طرف دفتر جبهه و جنگ صورت می‌گرفت. (ساکماق، ۶۲۲۵۶: ۰۰۰۷) تأمین این بسته‌های معیشتی هم عاری از دغدغه و اثرگذاری نواسات بازار در یک کشور در حال جنگ نبود. برای نمونه وقتی تأمین قند و روغن از بازار با اشکال مواجه می‌شد اعضای دفتر این کمبود را با افزودن حجم برنج در این بسته‌ها جبران می‌کردند (ساکماق، ۶۲۲۵۶: ۰۰۰۶).

۲۸۸ نشریه علمی تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال پنجم، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۴۰۲

هـ: اینارگران

به لحاظ سابقه حضور در جبهه طی ۹۴ ماه جنگ ۲۱۵۲ نفر از کارکنان مجموعه به جبهه اعزام شده‌اند. برای مثال از کارخانه نخریسی خسروی ماهانه به‌طور میانگین ۳۰ نفر از ۷۵۰ نیروی کارخانه به‌طور دائم در جبهه‌ها حضور داشته‌اند (ساکماق، ۱۷۰۰۷۵: ۱۲) یا برای ۵۲ نفر از کارکنان کارخانه قند آبکوه جمعاً ۵۱۷۶ روز سابقه جبهه به ثبت رسیده است (ساکماق، ۱۸۴۲۸۶). بر اساس گزارشی دست‌نویس به تاریخ تیر ماه ۱۳۸۳ از مجموعه نفرات حاضر از مجموعه آستان قدس در جبهه‌ها ۱۰۵ تن به مقام ایثارگری نائل آمدند به این ترتیب که ۴۹ نفر از ایشان شهید، ۳۱ نفر جانباز، ۲۰ نفر مفقودالایر و ۵ نفر آزاده بودند (ساکماق، ۶۲۲۵۶: ۰۱۵۸). گزارش جامعی که در سال ۱۳۹۵ منتشر شد با احتساب ۲۰ نفر مفقودالایر در شمار شهدا، شهدای مجموعه را ۶۹ تن اعلام نمود. به لحاظ وابستگی سازمانی ۳۴ تن از این نفرات کارکنان کارخانه‌ها و مزارع وابسته، ۱۹ تن کارمند یا خدمه مستقیم سازمان مرکزی و ۱۷ تن نیز دانشجویان مؤسسات آموزشی وابسته بودند. به لحاظ میزان سواد ۱۹ تن از این نفرات دانشجوی کارشناسی، ۳ تن دارای مدرک دیپلم، ۵ تن دارای مدرک سیکل، ۲۹

تن تحصیلات ابتدایی، ۱۲ نفر بی سواد و ۲ نفر هم با سطح سواد نامعلوم بوده‌اند. همچنین تاریخ شهادت ۴۴ تن از شهدای فوق حدفاصل سال‌های ۶۴ تا ۶۷ یا به عبارت بهتر سال‌های نیمه دوم جنگ تحمیلی را نشان می‌دهد (قاضی زاده و دارابی، ۱۳۹۵).



نتیجه گیری

در عصری که تقریباً هر جنگی را می‌توان «جنگ تام» دانست، هیچ زاویه از زوایای جوامع درگیر جنگ از تأثیرات جنگ برکنار نمی‌ماند. در طول جنگ تحمیلی هشت ساله در کشور ما هیچ نهاد حاکمیتی و عمومی از تأثیرات جنگ مستثنی نشد. با وجود این واقعیت، کمتر نهادی را می‌توان یافت که در مورد عملکرد خود در جنگ تحمیلی گزارشی عرضه کرده باشد به طوری که از خلال آن رسیدن به یک الگو میسر گردد. بر اساس یافته‌های مقاله حاضر از خلال روش‌شناسی توصیفی-

تشریحی و با اتکا بر اسناد آرشیوی و داده‌های تاریخی شفاهی، عملکرد آستان قدس رضوی را می‌توان در قالب پنج مقوله اصلی «پشتیبانی جنگ»، «تبلیغات و سازمان‌دهی و اعزام نیرو»، «امور مهاجرین جنگی و بازسازی»، «تشکیل دفتر جبهه و جنگ» و نهایتاً «یثارگری» دسته‌بندی کرد. این الگوی پنج‌ضلعی بدون برخوردن به مشکل خاصی می‌تواند برای بسیاری از نهادهای حاکمیتی و عمومی دیگر به‌عنوان نقطه عزیمت در بررسی نقش‌آفرینی آنها در جنگ به کار گرفته شود. زوایای انحصاری‌تر این الگو برای هر نهاد می‌تواند خود را در زیرمقوله‌های الگوی اصلی نشان دهد. در مورد خاص آستان قدس رضوی این پنج مقوله اصلی به‌نوبه‌خود مشتمل بر نه زیرمقوله تجهیزات، زمین و مسکن، نیروی انسانی، ظرفیت تولیدی، واردات و صادرات، شهرسازی، ارزاق عمومی، حمایت‌های مدنی و کمک‌های نقدی می‌باشد. البته که در حوزه زیرمقولات هر نهاد حاکمیتی و عمومی، خصایص منحصربه‌فردی وجود دارد که تعیین دقیق آنها تنها از خلال مطالعه اسناد آرشیوی و استخراج تاریخ شفاهی همان نهاد میسر خواهد بود.

کتابنامه

الف) اسناد

- بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، مرکز ملی اسناد دفاع مقدس، سند شماره AM556.
- اداره اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی (ساکماق)؛ ش.بازیابی ۰۰۱۱-۶۲۲۵۶، تاریخ ۱۳۶۴/۱۰/۱۱.
- اداره اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی (ساکماق)؛ ش.بازیابی ۰۰۱۲-۶۲۲۵۶، تاریخ ۱۳۶۴/۹/۱۸.
- اداره اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی (ساکماق)؛ ش.بازیابی ۰۰۱۹-۶۲۲۵۶، تاریخ ۱۳۶۴/۱۲/۱۴.
- اداره اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی (ساکماق)؛ ش.بازیابی ۰۰۴۱-۶۲۲۵۶، تاریخ ۱۳۶۴/۱۰/۱۶.

۲۹۲ نشریه علمی تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال پنجم، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۴۰۲

اداره اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی (ساکماق)؛ ش.بازیابی سند شماره ۰۰۰۵-۸۷۷۷۵، بی تا.

اداره اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی (ساکماق)؛ ش.بازیابی ۰۰۰۷-۸۷۷۷۵، ۱۳۶۱/۶/۲.

اداره اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی (ساکماق)؛ ش.بازیابی ۱-۱۶۹۸۳۹، تاریخ ۱۳۶۰/۱۱/۱.

اداره اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی (ساکماق)؛ ش.بازیابی ۱-۱۶۹۰۳۲، بی تا.

اداره اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی (ساکماق)؛ ش.بازیابی ۶-۱۷۰۹۲۲، تاریخ ۱۳۶۲/۴/۸.

اداره اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی (ساکماق)؛ ش.بازیابی ۱-۱۷۲۱۲۳، تاریخ ۱۳۶۵/۱۰/۱۴.

اداره اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی (ساکماق)؛ ش.بازیابی ۰۰۰۱-۶۲۲۵۶، تاریخ ۱۳۶۵/۵/۱۵.

اداره اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی (ساکماق)؛ ش.بازیابی ۰۰۰۲-۶۲۲۵۶، تاریخ ۱۳۶۵/۶/۲۷.

اداره اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی (ساکماق)؛ ش.بازیابی ۰۰۰۳-۶۲۲۵۶، تاریخ ۱۳۶۵/۱/۲۴.

اداره اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی (ساکماق)؛ ش.بازیابی ۰۰۰۴-۶۲۲۵۶، تاریخ ۱۳۶۵/۱/۲۴.

اداره اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی (ساکماق)؛ ش.بازیابی ۰۰۰۸-۶۲۲۵۶، تاریخ ۱۳۶۴/۹/۲۴.

اداره اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی (ساکماق)؛ ش.بازیابی ۰۰۰۹-۶۲۲۵۶، تاریخ ۱۳۶۴/۹/۲۳.

اداره اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی (ساکماق)؛ ش.بازیابی ۰۰۱۲-۶۲۲۵۶، بی تا.

اداره اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی (ساکماق)؛ ش.بازیابی ۰۰۱۵-۶۲۲۵۶، تاریخ ۱۳۶۲/۶/۵.

اداره اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی (ساکماق)؛ ش.بازیابی ۰۰۱۶-۶۲۲۵۶، تاریخ ۱۳۶۳/۹/۴.

اداره اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی (ساکماق)؛ ش.بازیابی ۰۰۲۲-۶۲۲۵۶، تاریخ ۱۳۶۷/۱۱/۱۲.

اداره اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی (ساکماق)؛ ش.بازیابی ۰۰۲۴-۶۲۲۵۶، تاریخ ۱۳۶۶/۳/۹.

بررسی اسنادی عملکرد آستان قدس رضوی در هشت سال جنگ تحمیلی..... ۲۹۳

اداره اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی (ساکماق)؛ ش.بازیابی ۰۰۴۲-۶۲۲۵۶، تاریخ ۱۳۶۲/۱/۱۵.

اداره اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی (ساکماق)؛ ش.بازیابی ۱-۱۸۴۱۱۴، تاریخ ۱۳۵۹/۱۱/۳۰.

اداره اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی (ساکماق)؛ ش.بازیابی ۳-۱۸۴۲۰۳، تاریخ ۱۳۶۳/۳/۲۶.

اداره اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی (ساکماق)؛ ش.بازیابی ۰۰۰۵-۶۲۲۵۶، تاریخ ۱۳۶۵/۹/۱۳.

اداره اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی (ساکماق)؛ ش.بازیابی ۰۰۰۷-۶۲۲۵۶، تاریخ ۱۳۶۷/۵/۱۵.

اداره اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی (ساکماق)؛ ش.بازیابی ۰۰۲۳-۶۲۲۵۶، تاریخ ۱۳۶۱/۶/۲۷.

اداره اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی (ساکماق)؛ ش.بازیابی ۰۰۵۱-۶۲۲۵۶، تاریخ ۱۳۶۰/۵/۲۹.

اداره اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی (ساکماق)؛ ش.بازیابی ۰۰۰۵-۸۷۷۷۵، بی تا.

اداره اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی (ساکماق)؛ ش.بازیابی ۰۰۰۳-۸۷۷۷۵، تاریخ ۱۳۶۱/۱۱/۶.

اداره اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی (ساکماق)؛ ش.بازیابی ۱۲-۱۷۰۰۷۵، بی تا.

اداره اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی (ساکماق)؛ ش.بازیابی ۱۸۴۲۸۶، تاریخ ۱۳۶۸/۳/۳۰.

ب) کتب

افشار، ایرج، دفتر تاریخ مجموعه اسناد و منابع تاریخی، ج ۲، تهران: موقوفات دکتر محمودافشار، ۱۳۸۰.

ابن بطوطه، شمس‌الدین، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمدعلی موحد، ج ۱، تهران: آگه، ۱۳۷۶.

بیهقی، ابوالفضل، تاریخ بیهقی، تصحیح خلیل خطیب رهبر، تهران: مهتاب، ۱۳۷۴.

- ترکمان، اسکندر بیگ، **عالم آرای عباسی**، تصحیح ایرج افشار، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲.
- جنابدی، میرزا بیگ، **روضه الصفویه**، غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۸.
- جوینی، عطاملک، **جهانگشای جوینی**، تصحیح محمد قزوینی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۸۵.
- خاوری، میرزا فضل‌الله شیرازی، **تاریخ ذوالقرنین**، تصحیح میر هاشم محدث، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
- خمینی، روح‌الله موسوی، **صحیفه نور**، ج ۱۶، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸.
- روابط عمومی آستان قدس رضوی، **هویزه**، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۴.
- سالور، قهرمان میرزا، **روزنامه خاطرات عین السلطنه**، تصحیح مسعود سالور و ایرج افشار، ج ۲ و ج ۸، تهران: اساطیر، ۱۳۷۴.
- سکندری، علی‌جان و آذری خاکستر، **غلامرضا، آستان قدس و نوسازی جهادی هویزه**، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۴۰۱.
- سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق، **مطلع السعدین و مجمع البحرین**، تصحیح عبدالحسین نوایی، ج ۱، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳.
- طرفی، حمید، **هویزه در هشت سال دفاع مقدس**، قم، نسیم حیات با همکاری سریر، ۱۳۸۴.
- فروند، ژولین، **نظریه‌های مربوط به علوم انسانی**، ترجمه محمدعلی کاردان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲.
- قاضی‌زاده، محمد و دارابی، مظفر، **اولین یادواره شهدای آستان قدس رضوی**، مشهد، اداره کل روابط عمومی آستان قدس رضوی، ۱۳۹۵.
- قمی، حسن بن محمد **تاریخ قم**، ترجمه علی بن محمد قمی، مصحح محمدرضا انصاری قمی، قم، کتابخانه بزرگ آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۳۸۵.
- قدیانی، عباس، **فرهنگ جامع تاریخ ایران**، ج ۲، تهران: آرون، ۱۳۸۷.

بررسی اسنادی عملکرد آستان قدس رضوی در هشت سال جنگ تحمیلی..... ۲۹۵

قزوینی، ابوالحسن، **فوائد الصفویه**، تصحیح مریم میرا حمدی، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۷.

قمی، قاضی محمد، **خلاصه التواریخ**، مصحح احسان اشراقی، تهران: دانشگاه تهران: ۱۳۸۳.
مندلباوم، موریس، «تاریخ‌گرایی»، در پل ادواردز، **فلسفه تاریخ**، ترجمه جواد سالکی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۵.

نطنزی، محمود بن هدایت‌الله افوشته‌ای، **نقاوه الآثار فی الذکر الاخبار فی التاریخ صفویه**، مصحح احسان اشراقی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.

نویی، عبدالحسین، **نادرشاه و بازماندگانش**، تهران: زرین، ۱۳۶۸.

ولیان، عبدالعظیم، **آستان قدس رضوی دیروز امروز**، مشهد، آستان قدس رضوی، ۲۵۳۶.

Meinecke, Friedrich, **Historism the Rise of a New Historical Outlook**, London: Routledge & Kegan Paul, 1972.

Rickert, Heinrich, **The Limits of Concept Formation in Natural Science**, Tr. Guy Oaks, New York: Cambridge University Press, 1986.

ج) مقاله

آذری خاکستر، غلامرضا، «تاریخ شفاهی در خدمت جنگ» در **تاریخ شفاهی دفاع مقدس**، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، صص ۸۵-۹۵، ۱۳۹۵.

سکندری، علی‌جان و آذری خاکستر، غلامرضا، «آستان قدس رضوی و نوسازی هویت؛ بررسی و تحلیل نوسازی با تأکید بر اسناد و تاریخ شفاهی»، در **پژوهشنامه مطالعات اسنادی و آرشیوی**، انتشار
برخط ۲۷ خرداد ۱۴۰۲. استفاده‌شده در ۴ مرداد ۱۴۰۲، [https://docs.aqr-](https://docs.aqr-libjournal.ir/article_172879.html)

[libjournal.ir/article_172879.html](https://docs.aqr-libjournal.ir/article_172879.html)